

امام خامنه ای: «تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی افتد، جسمها به کار نمی افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است.»



۱۳۹۵/۴/۱۲

گفتار دولتی جوان انقلابی

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

جزوه آموزشی - شماره ۴

موضوع:

نگاهی دوباره به بیانیه گام دوم و چستی دولت جوان انقلابی
رفع موانع ظهور اراده ملی برای پیشرفت ایران

ارائه شده توسط:

حجت الاسلام سیدعلی موسوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اشاره:

ضرورت ورود گفتمانی طلاب و روحانیون به انتخابات در چیست؟ عدم چنین کنشی از جانب طلاب و روحانیون، چه آسیب‌هایی را برای جبهه انقلابی به دنبال دارد؟ عناصر گفتمانی که باید امروز مورد توجه واقع شوند کدام‌اند؟

در این ارائه سعی شده تا حدودی منظور از کار گفتمانی تشریح شود.

این ارائه توسط حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی موسوی و در سلسله وبینار تبیین گفتمان دولت جوان انقلابی که در تاریخ ۲۵ تا ۲۸ اسفندماه گذشته و به همت بسیج مدرسه علمیه معصومیه برگزار گردید، انجام شد و توسط کارگروه محتوا و آموزش ستاد گفتمانی دولت جوان انقلابی بسیج معصومیه تنظیم گردید.

تذکر: در فرآیند خلاصه نویسی و نیز تبدیل گفتار به نوشتار، بعضاً در عین عبارات استاد محترم تصرفاتی صورت گرفته است لکن سعی شده است نسبت به مضمون کلام ایشان رعایت امانت صورت گیرد.

فهرست مطالب

- ۱ - - - - - مقدمه: ورود طلاب به انتخابات؛ آری یا خیر؟
- ۱ - - - - - مسئله و هدف اصلی ما
- ۲ - - - - - موانع تحقق هدف اصلی (تبدیل شدن به الگوی اسلامی پیشرفته)
- ۲ - - - - - روش و ابزار کار
- ۳ - - - - - دو مانع اساسی برای به میدان آمدن مردم
- ۳ - - - - - اول: نگاه به خارج برای حل مشکلات کشور
- ۴ - - - - - دوم: انحصارهای داخلی
- ۵ - - - - - توجه به وسعت و دشواری کار
- ۵ - - - - - مثالی از شکستن انحصار
- ۶ - - - - - نحوه ی تبیین این گفتمان در بین مردم
- ۶ - - - - - سوالات
- ۶ - - - - - سؤال) مدلی برای به میدان آوردن مردم به صحنه دارید؟
- ۶ - - - - - سؤال) برنامه‌هایی که می‌فرمایید برای بعد از انتخابات نیست؟
- ۷ - - - - - سؤال) آیا تطبیق گفتمان روی مصداق هم داریم؟
- ۷ - - - - - سؤال) ضد کار گفتمانی چیست؟ زیرا می‌گویند الان موقع انتخابات وقت این کارها نیست.

مقدمه: ورود طلاب به انتخابات؛ آری یا خیر؟

پرسیدن این سوال نشان دهنده حذف شدن یک سری واقعیت ها از حیات اجتماعی ایران است. ما انقلاب کردیم، مگر می شود رهایش کنیم به امان خدا!

لذا هر چقدر نقش آفرینی حوزه علمیه کمرنگ شود در بدنه مذهبی و انقلاب ما پدیده ای به اسم رکود زیرساختی ورود ایدئولوژیک مبنایی، کم خواهد شد و به سمت یک بازی سیاسی فروکاسته می شود.

حوزوی به تبع حوزوی بودنش مجبور است روی مبنا بیاید.

اگر این ارجاع مبنایی حذف شود دیگر چیزی برای گفتن ندارد. اگر این مبنا را بخواهیم جدی بگیریم طبعاً نقش آفرینی حوزوی می شود صدر کار.

لذا اصلاً شک ندارد! یعنی چی که حوزه ورود کند یا نه؟! مگر می تواند نیاید؟! اگر نیاید کی می آید؟! حوزه نیاید یک عده سیاسی می آیند که حزب الهی و غیر حزب الهی هم ندارند بعد مگر می شود صحنه را جمع کرد! می شود همینی که الان شده است!

اصل داستان این است که ما باید بیاییم و نه بخاطر سلب این تهدیدها، بلکه بخاطر یک ایجاب.

ما گفتمانی را می خواهیم بیاوریم جلو که بازیگر اصلی آن حضرت آقا است. پروژه آقا چیست؟ چرا کسی به پروژه آقا کسی توجه نمی کند؟

حزب الهی ها به دلیل عدم ورود از مبنای حوزه که خود این مساله بخاطر کم کاری حوزویان است، افتاده اند در زدوبند.

مسئله و هدف اصلی ما

همه فکر می کنند مسئله اصلی ما مبارزه با آمریکا و بعد از آن مبارزه با اسرائیل است. خیر! ما باید به مردم بگوییم مسئله اول ما، نابودی آمریکا و استکبار جهانی و اسرائیل نیست! این مسئله دوم ماست.



اکنون، طبق آن چهارچوبی که رهبری می گویند، پروژه ی اول ما تبدیل شدن ایران به الگوی پیشرفته اسلامی است.

اگر این اتفاق افتاد به تبع آن آمریکا و اسرائیل نیز نابود خواهند شد. البته که ما باید مبارزه با اسرائیل و تلاش برای بیرون راندن آمریکا از منطقه را ادامه دهیم. چرا؟ چون همین آقایان بـرجام طلب هم می توانند اثبات کنند که اگر ما جلو اسرائیل ایستادگی نکنیم همین اندازه هم به ما اجازه رشد و پیشرفت اقتصادی را نخواهند داد.

پس بنابر این مسئله بیرون رفتن آمریکا از منطقه هم، تبدیل شدن ایران به الگوی پیشرفته اسلامی است. چون برای تبدیل شدن ایران به الگوی پیشرفته اسلامی، به کشورهای اطراف نیاز است. نتیجه این است که ما مشکل گفتمانی داریم؛ باید اول این قضیه برای خودمان روشن شود و بعد آن را به مردم توضیح دهیم. اگر مردم این را بدانند خیلی از مشکلات حل خواهد شد.

موانع تحقق هدف اصلی (تبدیل شدن به الگوی اسلامی پیشرفته)

پروژه تبدیل شدن به الگوی اسلامی پیشرفته دو مانع دارد: مانع اول، خود استکبار جهانی و امثال ذلک می باشد که اتفاقاً این جزئی از پروژه است و آن را مانع نمی توان خواند. مانع دوم، مانع ذهنی است که مردم ایران دارند. چون رسیدن به الگوی پیشرفته اسلامی بدون همراهی مردم امکانپذیر نیست.

روش و ابزار کار

در دنیا دو الگو (برای پیشرفت) وجود داشته که هر دو شکست خورده اند:

یک) الگوی سرمایه داری است که در انحصار ید پولدارها می باشد (مدل غربی)

دو) الگوی سوسیالیستی است که در انحصار تیپ دولتمردان است (مدل شرقی)



این دو الگو به مردم اجازه ورود به وسط میدان را نمی دهند و لذا نمی توانند باعث پیشرفت شوند. دلیل اصلی زمین خوردن ایران در اقتصاد و همچنین نرسیدن اقتصاد به آن نقطه مطلوب، با وجود گذشت چهل سال از انقلاب بخاطر این است که با همان مدلی که انقلابمان پیروز شده است، نتوانسته ایم کشور را اداره کنیم. کشور یا در انحصار دولتمردان بوده است یا در انحصار دولتمردانی که سرمایه دار شده اند و کشور را اداره می کنند. ما باید مردم را به میدان بیاوریم؛ عقیده رهبر انقلاب این است که تنها با مردم می شود الگوی پیشرفته اسلامی را درست کرد؛ (در واقع) ایشان الگوی سومی را به دنیا معرفی کردند.

اسلام آمد که فضا را باز کند و مردم همه ی استعداد های خود را بروز دهند و این همیشه دولت انقلابی.

دولت انقلابی، دولتی است که بتواند مردم را به وسط صحنه بیاورد و از آن مهم تر انحصارها را بشکند تا فضا برای بروز استعداد های مردم فراهم شود.

دو مانع اساسی برای به میدان آمدن مردم

اول: نگاه به خارج برای حل مشکلات کشور

مردم همچنان احساس می کنند که بیگانه و استعمارگر باید بیاید تا پیشرفت کنند که این را ما باید در قضیه "برجام، خسارت محض است" برایشان تبیین کنیم و ظرفیت این را دارند؛ چون واقعاً نا امید شده اند. بیش از هفتاد درصد مردم معتقدند که با مذاکره، مشکلات اقتصادی ایران حل نمی شود (در تبیین توجه شود که بحث بر سر اصل مذاکره و نفی آن نیست؛ ۷۰ درصد مردم موافق اصل مذاکره اند. لذا بحث بر سر اصل مذاکره نیست. بلکه بحث بر سر خسارت بار بودن برجام است. به این معنا که مشکلات اقتصادی با مذاکره حل نخواهند شد). مذاکره باعث همه بدبختی ها شد. قیمت را در ایران، فلان ایالت در آمریکا و نظر سناتورش تعیین کند. این شعر نیست. این اتفاق افتاد در



جمهوری اسلامی.

الان به جایی رسیدیم که سخنرانی فلان آدم در کنگره قیمت ارز را دچار نوسان می کند! و به تبع آن زندگی ما هم. بازار را می توانند دچار اسپاسم و انقباض کنند یا انبساط یا هر اتفاق دیگر.

قطعا مذاکره برجام باعث این شد. ما نمی گوییم مذاکره بد است. بستن همه مسایل کشور به مذاکره بد است. گفتن اینکه ما با گفتگو با آمریکا مشکلات کشور را حل می کنیم.

آقا صریح می گویند که مردم و مسئولین باید به این نتیجه برسند که با مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی از کشور حل نمی شود و این را باید صریح به مردم گفت.

برجام یعنی آمریکا ما را گاو شیرده می خواهد و تا روی پای خود نایستیم نمی توانیم رشد کنیم، برجام یعنی اسرائیل مانع اساسی از رشد و رونق اقتصادی ایران است و هر زمانی بتواند می خواهد ایران را به زمین بزند، آمریکا نیز همین طور.

این مسئله ی اول و نقدتری است که باید برای مردم تبیین کنیم (بعد از اینکه تکلیف برجام روشن شود، ما می خواهیم ایران الگوی پیشرفته ی اسلامی شود و این با حضور مردم است و از طاقت مسئولین خارج است و برای این کار هم مردم باید بیایند پای کار و پای کار آمدن مردم نیز ما را به مانع دوم می رساند).

دوم: انحصار های داخلی

مشکل دیگر انحصارهای داخلی است که علاج آن دولت جوان انقلابی است. لازمه دولت جوان انقلابی نیز این است که یک عده جوان که می توانند این انحصارها را بشکنند و ظرفیت را آزاد کنند و راه را برای اینکه مردم به وسط بیایند باز کنند، سر کار بیایند.

ما باید از گزینه ای که می تواند این کارها را انجام دهد (کسی که طرح داشته باشد، ایده داشته باشد، مرد این کار باشد)، قاطعانه حمایت کنیم.

توجه شود که مبارزه با فساد ذیل انحصار است. اگر انحصار

شکسته شود فساد به خودی خود از بین می رود. این انحصار است که باعث فساد شده است.

پس دو گزاره وجود دارد: گزاره اول اینست که مردم نا امید شوند از مذاکرات و برجام (یعنی متوجه بشوند که کلید اصلی حل مشکلات، در ژنو نیست. در داخل است!) . و گزاره دوم اینست که باور کنند که میشود این انحصار را شکست.

توجه به وسعت و دشواری کار

بنابراین مسئله، انحصار است و چه کسی می تواند جلو انحصار بایستد؟ جوان انقلابی. جوان انقلابی به معنی اینست که محکم می خواهد این انحصار را بشکند.

باید ایده داشته باشد، باید دست پاک باشد. اصلاً فقط باید به خدا توکل داشته باشد. چون اگر توکل نداشته باشد، در زیر فشارها دوام نمی آورد. این که بخواهد معیشت را بر کسی (صاحب انحصار) تنگ کند آن شخص که به همین راحتی قبول نمی کند.

مثالی از شکستن انحصار

مدل انقلاب اسلامی مثلاً در مسکن مهر؛ البته در طرح اصلی این بود که اگر ۸ نفر جمع شدند، زمین و وام را به همان هشت نفر بدهیم. به انبوه ساز داده نشود. اگر بگوییم در وزارت مسکن مثلاً آقای نیکزاد بیاید انحصار از بین خواهد رفت اینطور نیست. زمانی ما که به تعریف خودمان جوان انقلابی بودیم خواستیم تا انحصار را بشکنیم فقط توانستیم وام را به ساخت خانه بدهیم و به خرید خانه ندهیم که سیاست شما طرف عرضه باشد نه طرف تقاضا که قیمت خانه بالا نرود. و فقط توانستیم همین را به زور در سیستم جای دهیم. انبوه ساز که دید راه چاره ندارد گفت: «وام را به من بدهید، مردم که توان خانه سازی ندارند و این پول را فقط خرج مهندس می کنند و...»

نحوه ی تبیین این گفتمان در بین مردم

در حال حاضر دو کار می توان انجام داد: یکی آنست که به مردم پیاپی بگوئیم بیابید اقتصاد را مردمی کنیم و ... که مردم، گوش شنوا و همچنین حوصله شنیدن این حرفها را ندارند. دوم آن است که به مردم از شکستن انحصار بگوئیم که این مطالب را خوب درک می کنند. بعد از آن اگر بتوانیم آن را کمی عینی تر کنیم، بگوئیم "انقلاب، در ساختارهای اداره کشور". که البته این موضوع هم خیلی نخبگانی هست. "شکستن انحصار" برای عوام بهتر است. خیلی راحت می توان انحصار را برای مردم توضیح داد چون می فهمند که انحصار وجود دارد.

ما باید آنقدر مثال برای گفتن داشته باشیم تا مردم بفهمند، بوضوح، مسئله امروز کشور، انحصار است.

مسئله اساسی شما برای شکستن این انحصار نه فقط در این دوره بلکه در دوره های قبل، نبودن اقناع عمومی می باشد. ما تا وقتی که نتوانیم اقناع عمومی پدید آوریم که راه حل به میدان آوردن مردم، شکستن این انحصار است. مشکلات اقتصادی به سامان نخواهد رسید.

سوالات

سؤال) مدلی برای به میدان آوردن مردم به صحنه دارید؟
تلقى من این است که کسی که انحصار را بتواند بشکند، مردم آمادگی ورود به صحنه را دارند.

دقت کنید رفقا! ما برنامه می خواهیم. ژنرال نمی خواهیم. یک آدم ویژه، یک قهرمان نمی خواهیم.

سؤال) برنامه هایی که می فرمایید برای بعد از انتخابات نیست؟
نه، در حال حاضر فقط باید شعار داد. باید گفتمان را ساخت. گفتمان شکستن انحصار. یک عده جوان که بیایند بگویند بلدییم و یکی به آنها بگوید مثلاً در وزارت صنایع چطور می خواهید انحصار را بشکنید؟ در وزارت نفت چطور؟ (که از همه مهم تر وزارت نفت است) و آنها برنامه ارائه دهند.

سوال) آیا تطبیق گفتمان روی مصداق هم داریم؟

نگوییم نمی خواهیم سراغ گزینه برویم، برعکس... بلکه اگر گزینه ای پیدا شد که همین حرف ها را بزند، دیگر آن روز است که شما سوار بر انتخابات هستید و نه انتخابات سوار بر شما؛ آن روز است که شما سوار بر گزینه هستید و نه گزینه سوار بر انتخابات.

یک عده از افراد فکری گفتمان ساز اینطور هستند که فقط دغدغه شان این است که گفتمانشان را مطرح کنند و دیگر با بقیه اش کاری ندارند، در حالی که وقتی گفتمان را مطرح کردید باید پای گزینه تان هم بایستید، وگرنه فرد گفتمان شما را ذبح می کند.

اگر چنین گزینه ای به میدان آمد ما به او می گوییم که گفتمان آقا این است، حال اگر چیزی غیر از این را قبول دارید بیا تا با هم بحث کنیم، یا ما اشتباه می گوییم یا شما...

اگر گزینه ای پیدا کردید که این حرف ها را می زند سفت پشت او بایستید.

به گزینه می گوییم که اگر وسط مناظره حرفی مخالف چنین گفتمانی را زدید، من همانجا بر علیه تو بیانیه می دهم. بعد از انتخابات هم مطالبه چنین گفتمانی را از تو رها نمی کنم.

سوال) ضد کار گفتمانی چیست؟ زیرا میگویند الان موقع انتخابات وقت این کارها نیست.

پاسخ: کار گفتمانی نکنی از کلمه وحدت (- نامزدها) شروع میکنند، میگویند چون این گزینه رای میآورد.

تو داری وارد بازی باخته میشوی زیرا اصلا گزینه رای نمیآورد.

سوال اصلی این است که این گزینه باید چه بگوید؟

بعد هم این چیزی که میخواهی بگویی به زبان آن فرد میآید یا

خیر؟



ستاد گفتمانی دولت جوان انقلابی

setadegoftemani